

علل بروز فقر

Causes of Poverty

یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه پس از جنگ جهانی دوم کاهش فقر کشورهای جهان و به‌ویژه ملل فقیر بوده است (Stiglitz, 1998). اینکه فقر را چگونه تعریف کنیم و علل بروز آن را چه عواملی بدانیم مشخص‌کننده این امر است که چرا و چگونه باید با آن مقابله کنیم. گرسنگی به‌عنوان تجلی فقر شدید در بعضی از نقاط جهان خود را به‌صورت قحطی بروز داده است که منجر به از بین رفتن جان میلیون‌ها انسان شده است. علل بروز این قحطی‌ها اعم از عرضه ناکافی غذا یا توزیع نابرابر آن یا وجود حکومت‌های استبدادی نمایانگر ناپایداری بقا در بسیاری از مناطق کم‌درآمد جهان است (Sen, 1999). فقر یک پدیده طبیعی نیست، بلکه محصول نظام‌های اجتماعی است. ساختار و روابط قدرت در مقیاس جهانی و نیز نظام اجتماعی در مقیاس ملی و ساختارهای نهادی منبعث از آن اصلی‌ترین علل بروز فقر در دنیای کنونی هستند. تأثیر آن بر هویت و ازخودبیگانگی مناسبات و روابط اجتماعی را به‌نحوی شکل می‌دهند که معرفت و دانش عمومی، اخلاق و برداشت‌های عموم افراد جامعه را آسیب می‌زنند و مناسبات موجود را طبیعی جلوه می‌دهند و آن‌ها را بازتولید و دائمی می‌کنند که محصول چنین مناسباتی زایش فقر و تداوم حیات عوامل زاینده فقر است (Wacquant, 2009).

علل بروز فقر را می‌توان در سه سطح خرد، میانه، کلان و با دو دسته از عوامل درونی و بیرونی تحلیل کرد (Spicker 2007). در سطح خرد به علل درونی و بیرونی فقر فردی پرداخته می‌شود. در سطح میانه به کاستی‌های نهادی اشاره می‌شود و در سطح کلان با کاستی ساختاری مواجه هستیم. علل درونی فقر فردی به کاستی‌های شخصی فرد فقیر می‌پردازد. توضیح اینکه یک فرد فقیر است چون از ظرفیت‌های لازم برای دستیابی به یک زندگی شایسته

برخوردار نیست. این ظرفیت‌های نازل می‌توانند ناشی از ناتوانی‌های جسمی در اثر بیماری، معلولیت، ازکارافتادگی، کهولت یا ناتوانایی‌های ذهنی، دانشی و مهارتی باشند. فردی که به دلایل فقر از تغذیه ناکافی و تحصیلات نازل برخوردار بوده است رشد کافی نمی‌کند و قادر نخواهد بود شغلی شایسته و دستمزدی شایسته برای یک زندگی شایسته داشته باشد و بنابراین، گرفتار فقر خواهد بود و به‌همین ترتیب فرزندان او فقیر خواهند شد و فقر نسلی می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در سطح خرد و علل بیرونی می‌توان به محدود بودن مجموعه فرصت‌های در اختیار فرد اشاره کرد (Sen 1999, 1984, 1981, Ginsberg 1972). وقتی نان‌آور یک خانواده در اثر تصادف جاده‌ای جان خود را از دست می‌دهد و همسر و فرزندان او به‌دلیل فقدان فرصت دسترسی به یک نظام حمایتی کارآمد دچار فقر می‌شوند در اثر عوامل بیرون از خود فقر گرفتار شده‌اند. نکته قابل‌توجه در فقر فردی-چه متأثر از عوامل درونی و چه بیرونی- این است که ناشی از کاستی‌های ساختاری و نهادی بروز می‌کند. وقتی دسترسی به نظام آموزش همگانی رایگان و یا یک نظام حمایت اجتماعی وجود ندارد و هر دوی این کاستی‌ها ناشی از نوع سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه موردبحث است کاستی‌های نهادی و ساختاری مسئول این فقر ناخواسته هستند.

در سطح میانی با عوامل درونی می‌توان به مواردی از کاستی‌های نهادی ازجمله کارکردهای ضعیف نظام‌های آموزشی، سلامت و مالیات‌ستانی اشاره کرد. ضعف خدمات عمومی آموزشی و سلامت سبب می‌شود که افراد فقیر قادر به دسترسی مناسب به این خدمات نداشته باشند که در این صورت به بازتولید فقر و نسلی شدن آن منجر می‌شود. ضعف نظام مالیات‌ستانی نیز منجر به درآمد نازل بخش عمومی و عرضه ناکافی و بدون کیفیت در خدمات عمومی آموزش و سلامت می‌شود. اما در سطح میانی با عوامل بیرونی به پدیده‌ای همچون برچسب‌زنی نهادی برمی‌خوریم.

بخشی از پیامدهای گسترش و نفوذ جهانی شدن اقتصاد است (Wacquant, 2009; Banerjee et al., 2006).

در سطح کلان و عوامل بیرونی می‌توان به پیامدهای جهانی شدن و چرخه‌های تجاری اشاره کرد. سرریز بحران، اقتصادی کشورهای صنعتی در کشورهای دیگر جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، می‌تواند به بروز رکود یا تورم بیانجامد که رکود موجب رشد بیکاری و بنابراین فقر بیشتر و تورم موجب فقیرتر شدن فقرا می‌شود. تورم خود یک سازوکار بازتوزیعی درآمد و ثروت به زیان گروه‌های کم‌درآمد و فقر است. در اثر تورم ارزش دارایی‌های افراد برخوردار و ثروتمند تعدیل می‌شود اما گروه‌های کم‌درآمد و فاقد دارایی فاصله بیشتری برای دسترسی به نیازهای اساسی گران‌تر شده خواهند داشت و به این ترتیب فقیرتر می‌شوند (Perry et al., 2006; Macarov, 2003; Royce, 2009).

کتاب‌شناسی

- Banerjee, A. Vinayak, Roland Benabou, Dilip Mookherjee (2006). *Understanding Poverty*, Oxford University Press.
- Ginsburg, Helen (1972). *Poverty, Economics, and Society*, Boston: Little and Brown Company.
- Green, Duncan (2008). *From Poverty to Power*, Oxford: Oxfam International.
- Macarov, David (2003). *What the Market Does to People: Privatization, Globalization and Poverty*, London: Zed Book.
- Narayan, Deepa; Raj Patal, Kai Schafft, Anne Rademacher, Sarah Koch-Schulte (2000a). *Voices of the Poor: Can Anybody Hear Us?*, Oxford University Press. Oxford.
- Deepa Narayan, Robert Chambers, Meera K. Shah, Patti Petesch (2000b). *Voices of the Poor: Crying Out for Change*, Oxford University Press.
- Narayan, Deepa, Patti Petesch (2002). *Voices of the Poor: From Many Lands*, Oxford University Press.
- Perry, Guillermo E., Omar S. Arias, J. Humberto Lopez, William F. Maloney, Luis Servén (2006). *Poverty Reduction and Growth: Virtuous and Vicious Circles*, Washington, D.C: The World Bank.
- Royce, Edward (2009). *Poverty and Power: The Problem of Structural Poverty*, Inc. NY: Rowan & Littlefield Publishers.
- Sen, A. (1981). *Poverty and Famines: An essay on entitlement and deprivation*, Oxford: Clarendon Press.

نظام اجتماعی قربانیان خود را متهم می‌کند و با برچسب زدن به آن‌ها زمینه‌های طرد اجتماعی بیشتر و محدودتر کردن مجموعه فرصت‌های آن‌ها را سبب می‌شود که خود موجب فقر بیشتر افراد می‌شود (Narayan et al., 2000a, Narayan, Petesch, 2002). کودک خیابانی، زن خیابانی، اراذل و اوباش، کارتن‌خواب و متجاهر تنها بعضی از برچسب‌هایی هستند که به گروهی از فقرا زده می‌شود و همین امر سبب طرد بیشتر آن‌ها از جریان اصلی حیات اجتماعی و بنابراین پایدار شدن فقر آن‌ها می‌شود (Wacquant, 2009).

در سطح کلان و عوامل درونی با کاستی‌های ساختاری مواجه هستیم. از جمله این کاستی‌ها می‌توان به کاستی‌های ساختار اقتصاد کلان در یک کشور اشاره کرد. چنانچه در اثر کژکارکردی‌های این ساختارها جامعه قادر به خلق شغل پایدار و شایسته متناسب با نیازهای جامعه نباشد می‌توان انتظار داشت که بیکاری ساختاری و چه بسا فزاینده پدید آید و بیکاری یکی از اصلی‌ترین عوامل فقر و بروز عوارض روانی و اجتماعی گسترده‌ای است که خود موجب شکل‌گیری دور تسلسل فقر می‌شود (Banerjee et al., 2006; Green, 2008). سیاست‌های اقتصادی ازجمله عوامل درونی ساختاری هستند که موجب بروز فقر و فرایندهای بازتولید آن هستند. در این میان، دگرگونی در نقش دولت در عصر مقررات‌زدایی اقتصادی و ناامنی اجتماعی دستور کار تحولات آتی در حیات انسان‌ها را رقم می‌زند. نیروی کار بیکار شده، کسانی که قادر به یافتن شغل نیستند، فقرا، کسانی که در اثر فقر به بستر جرم و بزه سقوط می‌کنند یا در اثر دگرگونی‌های حاصله با اشکال ناامنی و نااطمینانی و سردرگمی مواجه و دچار افسردگی می‌شوند که به اشکال گوناگونی ازجمله اختلال‌های روانی، اعتیاد به مواد افیونی، خودکشی و فروپاشی خانواده‌ها جلوه‌گر می‌شوند ازجمله

____ (1984). 'Rights and Capabilities', In Amartya K. Sen, (editor), *Resources, Values and Development*, Oxford: Blackwell.

____ (1999). *Development as Freedom*, Oxford: Oxford University Press.

Spicker, Paul, (2007). *The Idea of Poverty*, Bristol. UK: Policy Press.

Stiglitz, J. E. (1998, October). *Towards a new paradigm for development*, Geneva: United Nations Conference on Trade and Development.

حسین راغفر

هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)



دانشگاه الزهراء